

Research Article
**Evaluating Theodore Khoury's Method
of Interpreting the Quran¹**



Nikzad Isazadeh²

Mahmoud Motavassel Arai³

Fariba Sedarat⁴

Received: 04/09/2023

Accepted: 20/09/2023

Abstract

Orientalists have long been engaged in the study of the Quran, translating and interpreting it alongside other activities. Their objectives include identifying similarities or differences between the Quran and other scriptures, highlighting potential flaws within the Quran, and employing scientific criteria to uncover factual information. Theodore Khoury, a German Christian priest, dedicated a significant part of his scholarly career to translating and interpreting the Quran, gaining support from members of the Christian community. The primary objective of this research is to address the following question: How can we assess the

1. This article is derived from PhD dissertation, "Evaluating the methodology of Adel Theodore Khoury in interpreting the noble Quran," (supervisor: Dr. Nikzad Isazadeh and Advisor: Dr. Mahmoud Motevasel Arani), Kosar Islamic Science Education Complex, Tehran, Iran.
2. Associate professor, Center for Research on Quranic Sciences, Hadith, and Medicine, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran. Email: n-iesazadeh@sina.tums.ac.ir
3. Associate professor, Department of Islamic Teachings, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran. Email: Motavassel@tums.ac.ir
4. Seminary student, Level 4, Comparative Quranic Exegesis, Kosar Islamic Science Education Complex, Tehran, Iran (corresponding author). Email: sedarat.alzahra@gmail.com

* Isazadeh, N. & Motavassel Arani, M. & Sedarat, F. (2023). Evaluating Theodore Khoury's Method of Interpreting the Quran. *Naqd va Nazar* 28(109), pp. 56-82. Doi: 10.22081/jpt.2023.67306.2061

● Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

exegetical methodology employed by Theodore Khoury in his interpretation of the Quran, considering its principles, rules, and sources? Through a descriptive-analytical study of this issue, examining the principles concerning miracles, rules regarding evidence, and the extent of utilizing different exegetical sources, it becomes evident that Theodore Khoury's interpretation is characterized by predominantly superficial interpretations of Quranic verses and occasional negligence, despite his acknowledgment of the Quran's divine and miraculous nature. These shortcomings arise from his heavy reliance on specific Sunni sources of Quranic exegesis. As a result, not only does he overlook the distinctions between the Quran and the Bible, but he also lacks a neutral and impartial perspective when it comes to various aspects of Islam and the Quran.

Keywords

Quran, Theodore Khoury, principles of exegesis, rules of exegesis, sources of exegesis.

مقاله پژوهشی

ارزیابی روش تئودور خوری در تفسیر قرآن کریم^۱

نیکزاد عیسی‌زاده^۲ محمود متوسل آرانی^۳ فریبا صدارت^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹



چکیده

قرآن کریم به‌عنوان یکی از کتاب‌های آسمانی، همواره مورد مطالعه مستشرقان با فعالیت‌های مختلفی از جمله ترجمه و تفسیر و با اهدافی چون ایجاد تشابه و یا تقابل قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی، عرضه ضعف قرآن، کشف واقعیت با معیارهای علمی و ... بوده است. تئودور خوری کشیش مسیحی آلمانی است که بخش زیادی از فعالیت‌های علمی خود را بر ترجمه و تفسیر قرآن کریم متمرکز کرده و توانسته طرفدارانی را از جامعه مسیحیان به خود جلب کند. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که روش تفسیری تئودور خوری، کشیش مسیحی آلمانی، در تفسیر او از قرآن کریم در محورهای مبانی، قواعد و منابع چگونه قابل ارزیابی است؟ بررسی توصیفی-تحلیلی این مسئله در سه حیطه مبانی در بخش اعجاز، قواعد در بخش توجه به قرائن و حیطه استفاده از منابع مختلف تفسیری

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: «ارزیابی روش‌شناسی عادل تئودور خوری در تفسیر قرآن کریم» (استاد راهنما دکتر نیکزاد عیسی‌زاده و استاد مشاور دکتر محمود متوسل آرانی)، مجتمع آموزش عالی علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران می‌باشد.

۲. دانشیار مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

n-iesazadeh@sina.tums.ac.ir

Motavassel@tums.ac.ir

۳. دانشیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۴. طلبة سطح چهار تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی علوم اسلامی کوثر تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

sedarat.alzahra@gmail.com

* عیسی‌زاده، نیکزاد؛ متوسل آرانی، محمود و صدارت، فریبا. (۱۴۰۲). ارزیابی روش تئودور خوری در تفسیر قرآن کریم. فصلنامه علمی پژوهشی نقد و نظر، ۲۸(۱۱۰)، صص ۵۶-۸۲
 Doi: 10.22081/jpt.2023.67306.2061



نظـر

سال بیست و هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۱۰)، تابستان ۱۴۰۲

نشان می‌دهد تفسیر وی علی‌رغم اعتقاد به الهی و معجزه‌بودن قرآن، به دلیل بسنده کردن به برخی منابع اهل سنت در تفسیر آیات و عدم بررسی سایر مستندات مسلمانان، بیشتر با سطحی‌نگری در آیات و در برخی موارد با تسامح همراه بوده و همین امر موجب شده نه تنها تفاوتی میان قرآن و کتاب‌های مقدس نیابد، بلکه در برخی موارد او را از نگاه بی‌طرفانه نسبت به جنبه‌های مختلف اسلام و قرآن بازداشته است.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، تئودور خوری، مبانی تفسیر، قواعد تفسیر، منابع تفسیر.



در ادبیات پژوهشگران دینی، باستان‌شناسی کتاب‌های مقدس، مضامین و محاکمی عهدین و نقد و بررسی آنها همواره مورد اهتمام بوده است. در این میان قرآن نیز یکی از زمینه‌های مطالعاتی مستشرقان در مسائل اسلامی بوده و فعالیت‌های مختلفی از جمله ترجمه، تفسیر، مطالعاتی در باب مباحث اصالت وحی، تاریخ و ترتیب نزول، مباحث تدوین، داستان‌های قرآن و امثال آن در ارتباط با آن انجام می‌شود. اما انگیزه فعالیت‌های قرآنی مستشرقان یکسان نبوده و برخی به منظور القای ضعف قرآن و دورداشتن پیروان مسیحیت در قبال تبلیغ و دعوت به اسلام و با هدف حرکت دفاعی از جانب کاتولیک بر ضد اسلام به قرآن روی آوردند؛ برخی دیگر نیز با اهدافی بر ضد قرآن و اسلام، همچون برتری یهود و مسیحیت بر اسلام و یا با اعتقاد به نگارش قرآن توسط پیامبر ﷺ از روی کتاب‌های مقدس یهودیان و مسیحیان، آن را مورد توجه قرار دادند. اما در این میان مستشرقانی بدون اهداف مغرضانه به اسلام و قرآن رجوع کردند. عادل تئودور خوری (۱۹۳۰م) مسیحی، در خانواده‌ای مذهبی و مسیحی متولد شد که تعلق خاطر آنان به اسلام شهرت فراوان داشت. وی پس از تحصیل در الهیات مسیحی و فلسفه و رسیدن به مقام کشیشی در بیروت و اخذ دکترای شرق‌شناسی در فرانسه، از سال ۱۹۶۶م به آلمان رفته و با تدریس و ادامه فعالیت در دانشکده الهیات دانشگاه مونستر آلمان، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های خود را بر موضوع گفتگوی اسلام و مسیحیت متمرکز کرد. پرورش و بالندگی او در دو بستر فرهنگ دینی اسلام و مسیحیت، از او یک عالم متأله مسیحی و شخصیتی آگاه در الهیات، کلام، فلسفه و تفسیر در اسلام ساخت. خوری توانست در میان جامعه مسیحیت کاتولیک جایگاه ممتازی کسب کند. آثار وی در زمره مهم‌ترین منابع قابل استناد در مطالعات اسلامی، در اروپا مورد توجه افراد بسیاری قرار گرفت. حاصل مطالعات او به زبان‌های گوناگون در قالب کتاب و مقالات دینی، از جمله اخلاقیات اسلام، اسلام و آزادی دینی، لله المشرق والمغرب، محمد کیست، تسامح و آزادی دینی در اسلام، مسیحیت و مسیحیان در اندیشه مسلمانان معاصر و... بیشتر به معرفی اسلام به جوامع مسیحیان، بیان مواضع اختلاف مسلمانان و



مسیحیان و منابع مسلمانان برای اثبات حقانیت خود از درون مسیحیت پرداخته است. مبنای فکری او تأکید بر اهمیت عقلانیت و تعقل و گفتگوی میان ادیان می‌باشد. وی در این راستا با هدف ایجاد ارتباط و اتحاد بین اسلام و مسیحیت، ضمن بررسی تشابهات بین قرآن، انجیل و تورات، به ترجمه و تفسیر قرآن به زبان آلمانی پرداخت. خوری تفسیر قرآن به زبان آلمانی را در دوازده جلد تنظیم کرده و در پایان دوازده جلد را در یک جلد خلاصه می‌کند. گرچه به نظر نگارنده، جهت پژوهش برای دریافت مطلب و مقصود کامل وی باید به جلد اصلی دسترسی داشته و آن را مورد بررسی قرار داد.

در حوزه فعالیت‌های قرآنی مستشرقان پژوهش‌های مختلفی از جمله «مستشرقان و قرآن» از محمود کریمی در نشریه گلستان، «منبع‌شناسی قرآن و مستشرقان» از حسن رضایی، «مستشرقان و مسئله تحریف قرآن» از احمد قرائی سلطان‌آبادی، «بررسی تفسیر قرآن به زبان آلمانی اثر پروفیسور عادل تئودور خوری» از محمدحسن زمانی و استفان فردریش شفر در مجلله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، «اسلام و مستشرقان» از احمدی میانجی در مجله مکتب تشیع، «درآمدی بر قرآن‌پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن» در پژوهش دینی انجام شده است. موضوعات مطرح‌شده در این مقالات یا به طور کلی انگیزه‌ها و اهداف مستشرقان را بیان کرده و به نقد و بررسی آن پرداخته است یا جهت خاصی از فعالیت آنان را به صورت موضوعی بسط داده و آثار و برخورد با آن را مورد بحث قرار داده و یا شاخه‌هایی از آن را به صورت تطبیقی با اندیشمندان اسلامی مورد ارزیابی قرار داده است. قابل توجه اینکه در این پژوهش‌ها به برخی از فعالیت‌های مستشرقان در اسلام و قرآن پرداخته شده؛ اما تحقیقی جامع که به تحلیل و نقد روش‌های تفسیری مستشرقان با محوریت روش تفسیری کشیش مسیحی «عادل تئودور خوری» بپردازد یافت نشد؛ به خصوص آنکه این مستشرق مسیحی از کشیش‌های معاصر بوده و با تأکید بر اهمیت عقلانیت و تعقل و گفتگوی میان ادیان، هدف خود از ترجمه و تفسیر را ایجاد ارتباط و اتحاد بین اسلام و مسیحیت برای شناساندن اسلام به مسیحیان توسط خود قرآن اعلام کرده است؛ لذا پژوهش حاضر روش تفسیری خوری را در تفسیر کلام الهی مسلمانان مورد ارزیابی قرار داده است.





- همچنین پرسش‌هایی که در این پژوهش به دنبال پاسخ آن هستیم عبارت‌اند از:
۱. مبانی، قواعد و منابع خوری در تفسیر قرآن کریم چگونه قابل ارزیابی است؟
 ۲. ارزیابی روش تفسیری خوری چه رابطه‌ای میان کتاب‌های مقدس ایجاد می‌کند؟

۱. مبانی تفسیر تئودور خوری

دستیابی به رهنمودهای قرآن به‌عنوان بلندمرتبه‌ترین علم الهی، مسلمانان و دانشمندان ادیان و مذاهب دیگر را به تفسیر قرآن در مکتب‌های تفسیری مختلف واداشته است. یکی از مباحث مهم در این حوزه، مبانی تفسیر متشکل از اصول بنیادینی مانند اعجاز قرآن، مصونیت قرآن و امکان دستیابی به مراد خداوند است. هر نوع موضع‌گیری در خصوص آنها، اصول تفسیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش موضع‌گیری تئودور خوری در اعجاز قرآن که مهم‌ترین مبنا در روش تفسیری است ارزیابی می‌شود.

۱-۱. اعجاز قرآن

بررسی تفسیر قرآن تئودور خوری به زبان آلمانی، روش وی در به‌کارگیری برخی مبانی تفسیری را آشکار می‌دارد. مهم‌ترین مبنا در روش‌شناسی قرآن، اعتقاد به اعجاز الهی بودن آن، بقا و عدم بطلان معارف قرآن بدون کوچک‌ترین تغییر و تبدیلی حتی در گذر زمان (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶۲) و مصون از تحریف و تغییر بودن از جمیع جهات است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۴). خوری نیز در آثار خود الهی بودن قرآن را مبنا قرار داده و در هیچ موردی از فعالیت‌های قرآنی خود، بر خلاف اعجاز قرآن سخنی به میان نیاورده است. (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۷۵). او بر خلاف اعتقادات مسیحیان، پیامبران را فرستاده الهی و مجهز به اعجاز معرفی کرده و بر کلام خدا بودن قرآن تأکید دارد؛ از این رو وی قرآن را مشتمل بر مبانی فلسفی، اجتماعی و سیاسی در کنار امور دینی اعم از گزاره‌های ایمانی، تقوا، هنجارهای اخلاقی و رفتاری و حتی قوانین زندگی اجتماعی و حکومت‌داری اسلامی دانسته (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۷). و از نظر او همین امر موجب

شده میان قرآن و سایر کتاب‌های مقدس در طرح قوانین زندگی از جانب خداوند اشتراک و تشابه وجود داشته باشد (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۲۴۶). این تشابه در چند جای کتاب مقدس مشهود است؛ از جمله «تا از یهوه خدای خود ترسان شده، جمیع فرایض و اوامر او را که من به شما امر می‌کنم نگاه داری، تو و پسرت و پسر پسرت، در تمامی ایام عمرت و تا عمر تو دراز شود. پس ای اسرائیل بشنو و به عمل نمودن آن متوجه باش تا برای تو نیکو باشد. پس فرایض و احکام مرا نگاه دارید که هر آدمی که آنها را بجا آورد در آنها زیست خواهد کرد، من یهوه هستم» (تثیه فصل ۶: آیات ۲ و ۳؛ حزقیال فصل ۱۱: آیه ۲۰؛ لاویان فصل ۵: آیه ۱۸). خوری با طرح مسئله تحدی، قرآن را در عالی‌ترین جنبه اعجاز جهت مبارزه طلبی با دیگران معرفی می‌کند. او وجود آیات تحدی در قرآن را از تعالیم و فلسفه اسلامی دانسته که دلیل بر اعجاز قرآن و بی‌نظیر و غیر قابل تقلید بودن آن است. از نظر او تحدی، معجزه تصدیق قرآن و دلیل اصالت رسالت پیامبر اسلام ﷺ محسوب می‌شود؛ چنانکه در ذیل آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۲۳) آورده است: «مقصود از شاهدان شما موجوداتی هستند که مشرکان در کنار خدا به آنها یا هم‌کیشانان خدمت می‌کنند. در این آیه کافران و کسانی که دچار شک و تردید هستند به مبارزه طلبیده شده‌اند. این مبارزه طلبی جزئی از تعالیم و فلسفه اسلامی در غیر قابل تقلید بودن و بی‌نظیر بودن و ویژگی اعجاز قرآن است که به‌عنوان معجزه تصدیق شناخته شده و معتبر است و به‌عنوان دلیل اصالت و نابی فرستاده و پیام‌آور حضرت محمد به حساب می‌آید» (خوری، ۲۰۰۷م، ذیل آیه ۲۳).

وی همچنین در تبیین اعجاز و حفظ و بقای قرآن ذیل آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر، ۹) می‌گوید: «یقیناً ما آنها را به گونه‌ای حفظ خواهیم کرد تا حتی احتمال هیچ‌گونه تغییر، تحریف یا کاهشی در آن داده نشود؛ از این‌رو قرآن به‌عنوان یک کتاب برجسته و قابل ستایش است که قبل و بعد از آن هیچ نسخه جعلی نیامده و حفظ قرآن در لوح محفوظ در آیات متعددی از جمله آیه «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج، ۲۳) اشاره شده است» (خوری، ۱۹۹۷م، ج ۸، ص ۳۷۹).





در ارزیابی روش خوری در به کارگیری مبانی تفسیری باید گفت وی در ذیل آیه ۲۳ سوره بقره به صراحت به اعجاز قرآن پرداخته و ضمن اعتقاد بر نبود نسخه جعلی از قرآن و قابل ستایش بودن آن، بر آسمانی بودن و عدم تحریف قرآن تأکید دارد. حال آنکه خوری در ذیل آیات قرآن از جمله آیه «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره، ۷۵) که به تحریف کتاب مقدس از جانب یهودیان اشاره دارد، این مطلب را انکار نکرده و می‌گوید: «وقتی برخی از آنان کلام خدا را شنیدند، آگاهانه آن را تحریف کردند. قرآن مشخص نمی‌کند که آیا مراد از مخاطبان این آیه یهودیان گذشته است یا معاصر؛ بدین معنا که:

- یا تحریف کلمات الهی در زمان موسی علیه السلام بود: هنگامی که موسی علیه السلام کلام الهی ابلاغ شده را برای هفتاد نفر بیان کرد، اما آنان گفتند: ما شنیدیم که خداوند گفت: اگر می‌توانید این موارد را برآوردید، اگر نمی‌توانید خود را اذیت نکنید، مهم نیست.

- یا تحریف کلام الهی در زمان محمد صلی الله علیه و آله بود: شامل تغییر ویژگی‌های پیامبر آینده در نوشتار آنان است تا مجبور نشوند به او ایمان آورده، یا قوانین خدا را تغییر دهند» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، صص ۲۷-۲۸).

خوری معنای کلمه «یحرفون» را شامل سه معنای تغییر، تبادُل یا حذف از معنای صحیح دانسته که تحریف کلام خدا یا به معنای جعل متن، یا تفسیر پیچیده این کلمات و یا حذف آنهاست. خوری ضمن پذیرش تحریفی که قرآن در مذمت پیروان یهود آن را مطرح کرده، از جانشینی کلام بشر به جای کلام الهی اعلام انزجار کرده و با اشاره به اینکه نسخه‌های خطی تورات نگاشته دست دانشمندان یهود است، این عمل را به نوعی تحریف برمی‌شمرد، اما معتقد است عبارت «وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ» بیان نظر قرآن به تحریف کتاب مقدس از جانب بعضی از علمای یهود می‌باشد.

وی با توجه به عبارت «لِيَشْتَرُوا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيلاً؛ أَنْ رَأَوْهُ فَانفَكُوا» در آیه «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيلاً» (بقره، ۷۹) که متن‌های تورات یا

نسخه‌های خطی آن را که توسط دانشمندان ساخته شده، با توجه به تلقی قرآن مبنی بر کالای تجاری دانستن آن بیان می‌دارد: «یا متن‌های تحریف‌شده‌ای وجود دارد که با دست آنان نوشته شده یا متون مقدس، اما دقیقاً به همین دلیل آنها را و حتی کلمات خودشان را که به عنوان کلمات خدا بیان کرده‌اند، نباید به عنوان کالا تلقی کنند» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، صص ۳۱-۳۲). مؤید پذیرش تحریف کتاب مقدس از جانب او اشاره به «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ» (توبه، ۳۰) و بیان بازنویسی کتاب مقدس توسط «عزرا» یا «عذیر» است که از خود کتاب مقدس بازگو کرده است: «مقصود از «عزرا»، «اسدرس» است که در نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد از تبعید بنی اسرائیل در بابل همراه با تعدادی از یهودیان به فلسطین بازگشت و بخشی از کتب گمشده تورات را بازنویسی کرد» (عزرا فصل ۷: آیات ۶ تا ۱۲؛ نحما فصل ۸: آیات ۲ تا ۸؛ خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، صص ۳۱۶-۳۱۷).

خوری با استناد به آیه «وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ...» (مائده، ۱۱۶) که ادعای مسیحیان در الوهیت عیسی علیه السلام را رد کرده، تنها یک جمله ذکر کرده و می‌گوید: «گویا قرآن برخی از جملات انجیل را در مورد عیسی مسیح رد می‌کند، اما به صراحت مطلبی را در رد یا قبول سخن قرآن و اینکه تحریف شده باشد نمی‌آورد» (خوری، ۱۹۹۵م، ج ۶، ص ۱۹۳).

ارزیابی روش خوری در به کارگیری مبانی تفسیری در بخش اعجاز نشان می‌دهد تأکید او بر الهی، قدسی و معجزه‌بودن قرآن و ذکر مشابهاتی از قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها در قرآن و کتاب مقدس می‌تواند نقش مهمی در شناخت جایگاه کتاب آسمانی مسلمانان به مسیحیان در راستای هدف وی داشته باشد. گرچه او به صراحت در تفسیر خود به الهی‌بودن انجیل و یا تحریف آن توسط مسیحیان سخنی به میان نیاورده، اما با رد عمل برخی از عالمان یهودی در تحریف کتاب مقدس و پذیرفته‌نشدن بعضی از فقرات انجیل از طرف قرآن، این تحریف را شامل همه ابعاد و اجزای کتاب‌های آسمانی و همه پیروان آنها ندانسته تا مسلمانان را از اتهام قضاوت ناعادلانه در غیر الهی دانستن تمام کتاب مقدس مبرا سازد.





۲. قواعد تفسیر خوری

در تفسیر صحیح قرآن که خداوند به زبان مردم با مردم سخن گفته لازم است قواعد متقن عقلی و نقلی مرتبط با آیات، شناسایی و به کار گرفته شود تا مخاطب را در رسیدن به فهم صحیح و مراد جدی خداوند یاری رساند. برخی از این قواعد عبارت‌اند از در نظر گرفتن قرائت‌های صحیح، در نظر گرفتن مفاهیم واژه‌ها و قواعد ادبیات عرب و در نظر گرفتن قرینه‌های پیوسته و ناپیوسته. تئودور خوری در تفسیر خود بسیاری از این قواعد را به کار گرفته که به برخی از آنها نقدهایی وارد است. یکی از ضروری‌ترین قواعد برای فهم کامل مراد خداوند در آیات، توجه به قرائن پیوسته است؛ لذا در این پژوهش این بخش از قواعد تفسیری خوری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲-۱. توجه به قرائن

قرائن در اصطلاح تفسیری اموری است که با ارتباط لفظی یا معنوی با آیات، مفسر را در دست‌یابی به مفاد کلام و درک مراد اصلی خداوند مدد می‌رساند (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۸۵). عادل تئودور خوری به‌عنوان یک مفسر غیر مسلمان، بیش از سایرین نیازمند توجه به قرینه‌ها می‌باشد. در این پژوهش قرینه‌های سیاق و فضای نزول به‌عنوان نمونه‌ای از قرائن به کار گرفته توسط او و به جهت کاربردی بیش از سایر موارد در تفسیر وی ارزیابی شده است.

۲-۱-۱. سیاق

سیاق در کلام عبارت است از در پی یکدیگر آمدن کلام و طرز جمله‌بندی، اسلوب و روش جاری بر سخن یا نوشتار (ابراهیم و دیگران، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۵) و هر دلیل پیوندخورده با لفظ و عبارتی که می‌خواهیم بفهمیم؛ خواه از مقولۀ الفاظ باشد، مانند کلماتی که با لفظی که می‌خواهیم آن را بفهمیم یک کلام واحد و به هم پیوسته تشکیل داده و یا قرینه‌حالیه باشد، مانند موقعیت‌ها و شرایطی که کلام را احاطه کرده و موضوع لفظ را روشن می‌کند (صدر، ۱۴۱۹ق، ص ۸۹). سیاق برای فهم مراد اصلی آیات با انواع سیاق کلمات،

سیاق جمله و سیاق آیات مورد توجه و کاربرد خوری در تفسیر آیات قرار گرفته است. در توجه به سیاق کلمات، یک واژه با ظهور معنایی متفاوت در جملات مختلف، معنایی متناسب با کلمات دیگر یک جمله به مفسر می‌دهد؛ به عنوان مثال تئودور خوری در این نوع کاربرد، از واژه «دین» در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳)، دین اسلام را قصد کرده است؛ چراکه وی مقصود از خطاب ناگهانی آخر آیه را همه غیر مسلمانان اعم از یهودیان و مسیحیان دانسته و برداشت خود را از «وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»، وعده پیروزی اسلام بر همه ادیان اعلام کرده است (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، ص ۳۱۸)؛ اما همین واژه را در آیه «بَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخَرَّ جِهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (يوسف، ۷۶)، با توجه به سیاق آیه به معنای قوانین وضع شده توسط حاکم گرفته است (خوری، ۱۹۹۷م، ج ۸، ص ۲۶۵) و سپس در تأیید معنایی که از واژه گرفته، مشابه سیاق آیه را به کتاب مقدس ارجاع داده است: «و او تجسس کرد و از مهتر شروع نموده، به کهنتر ختم کرد و جام در عدل بنیامین یافته شد» (پیدایش فصل ۴۴: آیه ۱۲).

۶۵



نظر

ارزیابی روش تئودور خوری در تفسیر قرآن کریم

کاربرد سیاق جملات زمانی است که یک جمله از قرآن قرینه معنایی برای جمله دیگری از همان آیه می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۲)؛ برای مثال تئودور خوری در آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره، ۸۳) که آخر آیه با دو جمله «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ»، بر خلاف ابتدای آن به سیاق مخاطب تغییر یافته، در تعیین مخاطب این دو عبارت، نظرات متفاوت را در سه گروه بیان کرده: «برخی با توجه به وحدت متن، قوم یهود پیشین را مخاطب این آیه و آیه قبل گرفته‌اند؛ گروه دوم قوم یهود در عصر حضرت محمد ﷺ را مخاطب می‌دانند که جز عده اندکی از ایشان، بقیه به حضرت محمد ﷺ ایمان نیاوردند؛ گروه سوم عبارات را به قوم یهود اولیه نسبت داده‌اند؛ با این حال پایان جمله دوم را به یهودیان زمان حضرت محمد ﷺ منسوب می‌دانند» (خوری،



۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۳۹). خوری در این عبارات گرچه از کلمه سیاق استفاده نکرده، اما تعبیر او از کلمه «وحدت متن» که آورده است، همان معنای سیاق را دارد و اگر اهمیتی به سیاق آیه نمی‌داد، لزومی در عنوان گروه‌های مختلف در خصوص تعیین مخاطب وجود نداشت. وی در ادامه به دنبال روال مشابه‌یابی در آموزه‌های مشترک قرآن و کتاب مقدس، ارجاع به تکرار برخی از موضوعات آیه در کتاب مقدس داده است؛ از جمله احترام به پدر و مادر (خروج فصل ۲۰: آیه ۱۲؛ لاویان فصل ۱۹: آیه ۳؛ تثنیه فصل ۵: آیه ۱۶) و توجه به یتیم و مسکین (ایوب فصل ۲۹: آیه ۱۲؛ تثنیه فصل ۱۵: آیات ۷ و ۹ و ۱۱).

قسمت سوم سیاق در مجموعه آیاتی که با تناسب مفهومی واحد نازل شده‌اند کاربرد دارد. توجه به سیاق واحد حاصل از ارتباط مفهومی آیات مدنظر، مفسر را در رسیدن به مراد اصلی آیه یاری می‌رساند؛ برای نمونه خوری به ارتباط مفهومی آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳) وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِن لَّا تَشْعُرُونَ (۱۵۴) وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِسَيِّئٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (۱۵۶) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)» پرداخته است. وی قبل از شروع به تفسیر، مفهوم واحد آیات را ذکر کرده: «این آیات دربردارنده سخنان دلگرم‌کننده برای مسلمانان است که برای غلبه بر عواقب شکست در نبرد با دشمن به آنها کمک می‌کند. شاید بتوان آن را به شکست احد در سال ۶۲۵ میلادی یا به قول ابن عباس به رزمندگان کشته‌شده در جنگ بدر در سال ۶۲۴ میلادی ربط داد که با وجود پیروزی، کشته‌شدن آنها مسلمانان را اندوهگین کرد» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۱۷۷). پی‌بردن به این مفهوم در سیاق آیات، مفسر و خواننده را در کاربرد آیات و تعمیم مفهوم به موارد مشابه کمک می‌کند. در خلال این دسته از آیات، خوری واژه‌های مشابه آن را در کتاب مقدس ذکر کرده است: «سبیل الله» در آیه ۱۵۴ بقره (پیدایش فصل ۱۸: آیه ۱۹؛ تثنیه فصل ۱۹: آیه ۹؛ مرقس فصل ۱۲: آیه ۱۴؛ لوقا فصل ۲۰: آیه ۲۱)، «اصابة» و «مصيبة» در آیه ۱۵۶ بقره (داوران فصل ۲۰: آیه ۱۴؛ تواریخ فصل ۲۰: آیه ۹؛ ایوب فصل ۴۲: آیه ۱۱)، «ما از آن خداییم» (إِنَّا لِلَّهِ) در

آیه ۱۵۶ بقره (تثنيه فصل ۱۰: آیه ۱۴؛ مزامير فصل ۲۴: آیه ۱). این روش توجه مسیحیان را به وجود مشابهاتی در آموزه‌های کتاب آسمانی خود با قرآن جلب می‌کند.

نمونه دیگر مجموعه آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ بقره است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰) وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ آخِرُ جُوهْمُ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكافِرِينَ (۱۹۱) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۲) وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳) الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴) وَ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵)». خوری در تبیین مفهوم واحد آیات، از قول ابن عباس به صلح حدیبیه اشاره و اضافه کرده: «اما اصحاب او از قبیله قریش می‌ترسیدند که مکه عهد خود را زیر پا بگذارد و دوباره آنها را رد کرده، با آنها بجنگد. اما مسلمانان در ماه حرام به مبارزه با دشمنان خود دست نمی‌زدند. پس این آیات قرآن آمد تا مسلمانان بدانند که چگونه رفتار کنند. مقررات مرحله‌ای را نشان می‌دهد؛ از مبارزه محدود تا جنگ مطلق، حذف تابوی ماه‌های حرام در زمانی که شرایط اقتضا می‌کند. اگر همه اینها درست باشد، این آیات مربوط به دوره بین سال‌های ۶۲۸ و ۶۲۹ میلادی است» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۲۸۱). خوری در خلال تفسیر این آیات برداشت خود از «فتنه» در «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» را در مشابهت با کتاب مقدس تعبیر به فریب مؤمنان می‌کند (خروج فصل ۳۴: آیه ۱۶؛ تثنيه فصل ۱۱: آیه ۱۶).

در تحقق سیاق جملات و آیات بر اساس قواعد تفسیری، پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی شرط است. در ارزیابی تفاسیر در دسترس از تئودور خوری معلوم می‌شود وی در مواردی که به‌عنوان نمونه ذکر شد و بسیاری از موارد دیگر که شرایط تحقق سیاق موجود بوده، به ذکر تناسب و ارتباط مفهومی بین آیات پرداخته است. او حتی در ابتدای هر سوره، تناسب معنایی را که بین مجموعه آیات سوره برقرار می‌باشد





تبیین کرده است. اما در ارجاع و مشابه‌یابی با کتاب مقدس، مانند همانند‌یابی واژه‌های یا اصل اخلاقی، به طور موردی اشاره کرده و ارجاع داده است.

۲-۱-۲. فضای نزول

مجموعه امور دخیل در نزول آیات با عنوان فضای نزول تأثیر مهمی در فهم معانی قرآن و استنباط احکام دارد. ادعای برخی به عدم امکان تفسیر آیه بدون آگاهی از فضای نزول ناظر بر آیه (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰)، این علم را به روشی مستحکم در فهم معانی قرآن تبدیل می‌کند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۷) که منجر به فهم تمامی قرآن می‌شود. در یک تقسیم‌بندی می‌توان فضای نزول آیات را اموری مانند سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ مردم زمان نزول و زمان و مکان نزول آیات دانست. تئودور خوری نیز در مراجعه به فضای نزول برای تفسیر آیات اهتمام داشته است؛ برای نمونه وی در تفسیر آیه «إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...» (بقره، ۱۵۸)، عدم توجه به سبب نزول را منجر به برداشت نادرست از آیه، یعنی جواز سعی بین صفا و مروه در اعمال حج و عمره می‌داند که این معنا با وجود مورد اتفاق بیشتر علما منافات دارد. تئودور خوری با در نظر گرفتن این قرینه، تفسیر صحیحی از آیه ارائه داده است. وی حکم مذاهب اسلامی را از تفسیر فخر رازی به همراه انتخاب خود او بیان کرده و در نهایت وابستگی تفسیر به روایت سبب نزول را اعلام کرده است؛ با این بیان که بر اساس روایات اسلامی دویدن بین صفا و مروه یکی از مناسک واجب زیارت است. این که آیه در ابتدا با بیان «فَلَا جُنَاحَ» این دوره را به عنوان اعمال داوطلبانه طبقه‌بندی می‌کند، باعث اختلاف نظر بین دانشمندان شده است که آیا اکنون جزء ضروری مناسکی است که هر کس باید خود آن را انجام دهد (به گفته بنیان‌گذار مکتب شافعی) یا متعلق به آیین‌های عمومی است و تعهداتی که ممکن است در شرایطی زائر از آن معاف شود (به گفته مؤسس مکتب ابوحنیفه) و یا فقط توصیه شده است (به گفته ابن حنبل)، به گونه‌ای است که ترک آن به معنای هیچ جرمی نیست و عواقبی در پی ندارد (بنابر نقل از ابن الزبیر، مجاهد و عطا) (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۳۷). اگر این آیه را تعریف نهایی

مناسک زیارتی بدانیم، نوع و متن رسمی، تفسیر رضایت‌بخشی ارائه نمی‌کند. راه‌حل مشکل، قرارداد آیه در مرحله مقدماتی اعلام شرایط اعمال است. در این صورت تعیین نهایی مناسک در وهله اول ممکن می‌شود. تعبیر «فلا جناح» به اجازه انجام مناسک مشروع بین دو تپه اشاره دارد؛ با این بیان که دیگر نباید این تپه‌ها را عبادتگاه شرک‌آمیز دانست، بلکه آنها نشانه‌های عبادت خداوند هستند و دویدن بین آنها جرم نیست؛ سپس این دویدن واجب شده و از آن زمان یکی از آداب واجب زیارت اسلامی است (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، صص ۱۸۹-۱۹۰). در نهایت برای تأیید صحت این تفسیر به روایت ابن عباس درباره سبب نزول آیه اشاره کرده است: «پیشینه این تفسیر گزارشی از ابن عباس است که می‌گوید: مشرکان عرب صفا و مروه را عبادتگاه گنجینه‌های خود می‌دانستند. بر هر تپه‌ای بتی بود که مشرکان به دور آن می‌چرخیدند؛ از این رو انجام اعمال در هر دو تپه ابتدا مورد نفرت مسلمانان قرار گرفت. قرآن سپس ارتباط اولیه با ابراهیم، هاجر و اسماعیل را بر اساس تعبیر خود بازگرداند و تپه‌ها را نمادهای آیینی (شعائر) خدا اعلام کرد» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۱۹۰). خوری در ادامه در بیان مشابَهت علت سعی بین صفا و مروه در داستان مشترک قرآن و کتاب مقدس، به جریان حضرت ابراهیم علیه السلام با هاجر و اسماعیل در کتاب مقدس ارجاع داده است (پیدایش فصل ۲۱: آیه ۱۴).

آگاهی از قرینه زمان و مکان نزول آیات نیز مفسر را در رسیدن به معنای آیه و تشخیص تفسیر درست از نادرست یاری می‌کند؛ برای مثال در آیه «يا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده، ۶۷)، برای فهم مقصود اصلی از «ما أُنزِلَ إِلَيْكَ»، دیدگاه‌های گوناگونی از جمله ناسزاگویی نسبت به بت‌ها، عیب‌جویی از دین مشرکان و دستور جهاد و قتال با مشرکان ذکر شده است (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۱۸۰-۱۸۱). ولی وقتی از روایات و نقل‌های تاریخی معتبر آگاه شویم که آیه کریمه در سال دهم هجری، هنگام بازگشت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از حجة الوداع در غدیر خم نازل شده (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۸)، پس در سال آخر عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله بوده؛ در این صورت سایر دیدگاه‌ها مبنی بر ناسزاگویی نسبت به بت‌ها، عیب‌جویی از دین مشرکان و دستور جهاد و قتال با مشرکان باطل خواهد بود. این بار تئودور خوری در تفسیر آیه توجه به فضای نزول نداشته و نظر





خود را این گونه بیان کرده: «زمینه نشان می دهد فراخوان مربوط به مبارزه با یهودیان و موضوعاتی است که در آیات قبلی مورد بحث قرار گرفته است: سنگسار به عنوان مجازات زنا، میزان قصاص برای قتل و تمسخر از طرف یهودیان» (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۶، ص ۱۲۸)؛ یعنی خوری موضوع این آیه را در خصوص مناظرات و گفتگوها با یهودیان می داند؛ چون آیات قبلی مربوط به مناظره با یهودیان است و هیچ سخنی از واقعه غدیر خم به میان نیاورده است. اگرچه پس از آن قولی را از ابن عباس بر اساس نظر دیگران مطرح کرده و از این طریق آیه را مرتبط با امام علی علیه السلام دانسته، اما در آن ولی و مولی را به لفظ دوست و کیل و مدیر ترجمه کرده است: «روایتی که به ابن عباس و دیگران برمی گردد بیان می کند که این آیه به فضایل علی علیه السلام و موقعیت خاص او در جامعه اشاره دارد. تا این آیه نازل نشده بود، محمد صلی الله علیه و آله درباره آن اظهار نظر نمی کرد. سپس دست علی را گرفت و گفت: هر که من امانت دار او هستم، وصی او نیز علی علیه السلام است. خدایا دوست هر که دوستش است و دشمن هر که دشمن اوست باش. سپس عمر او را ملاقات کرد و گفت: خوشا به حال تو ای پسر ابوطالب، تو و کیل من و وکیل هر مؤمن و هر مؤمنه ای شدی» (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۶، ص ۱۲۸). با این تعبیر خوری این آیه را با آیه قبل و بعد در یک سیاق دانسته و آن را در خصوص گفتگو با اهل کتاب تفسیر کرده است. فخر رازی نیز در تفسیر خود همین طور عمل کرده؛ یعنی این حدیث را ذکر و بعد آن را رد کرده است؛ به این دلیل که آن را اجنبی و غیر مرتبط با مطالب آیات قبل و بعد تشخیص داده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۰۱)؛ در صورتی که علامه طباطبایی رحمته الله علیه احتمال مورد آیه در خصوص مناظرات و گفتگوهای یهودیان را با شیوه های مختلف و با ذکر احتمالات مورد بحث مفسرین رد کرده و سیاق این آیه را جدا از آیات قبل و بعد دانسته و سپس درستی قول بنی عباس در خصوص ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله باید به مردم ابلاغ می فرموده تا تداوم و تمامیت اصل دین استقرار یابد را اثبات کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، صص ۴۲-۴۳). نتیجه اینکه عادل ثنودور خوری با عدم توجه به زمان و مکان نزول، پی به مفاد اصلی آیه نبرده است؛ بنابراین او با وجود استفاده از قرینه های فضای نزول در تمام آیاتی که لزوم ارجاع به آنها وجود دارد، بنای کار

خود را تفسیر مفسران اهل سنت قرار داده است؛ لذا در آیاتی مانند آیه ۶۷ مائده که اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، توجهی به این مهم نداشته است. شاید نتوان تنها رجوع به منابع اهل سنت را نقد بر عدم توجه خوری بر تمام موارد فضای نزول دانست؛ زیرا منابع متعددی از علمای اهل سنت موجود است که در آنها به مستندات شیعی نیز پرداخته شده و آیات بر اساس آنها نیز تحلیل یافته است؛ اما نحوه انتخاب خوری در تفاسیر ارجاعی که مفسران آنها به نوعی استفاده از پیش فرض‌های فرقه‌گرایانه در تفسیر داشته‌اند، در برخی موارد او را از پرداختن به تمام جنبه‌های لازم در قواعد تفسیری غافل کرده است.

۳. منابع تفسیر خوری

مقصود از منابع تفسیر مستندات یا معلومات مرتبط با قرآن است که نه تنها مفسر را عالم به فهم معانی ظاهری و باطنی آیات می‌کند، بلکه بدون آنها مراد و مقاصد الهی و مطالب نهفته در قرآن به دست نمی‌آید (مؤدب، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵). به میزان دست‌یابی فرد به منابع آگاهی‌دهنده و دارای غنای علمی، شناخت به‌دست‌آمده دقیق، جامع و نزدیک‌تر به مقصد فهم خواهد بود و مفسر قرآن باید مسلح به علوم این منابع و متبحر در نوع استفاده و دست‌یابی به آنها باشد. اصل در منابع تفسیری قرآن، سنت، عقل و علوم تجربی بوده و سایر منابع مورد توجه مفسرین یا تحت این عناوین قرار داشته و یا به‌عنوان ابزار در کنار آنها به کار گرفته می‌شوند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۳۸). استفاده عادل تئودور خوری از این منابع در تفسیر قابل توجه است، اما نکته مهم اینکه عادل تئودور خوری با وجود تلاش برای کاوش و بررسی منابع، بیشتر به منابع گروهی از اهل سنت با پیش فرض‌های فرقه‌ای و تعصبات مذهبی رجوع کرده است. او خود اذعان داشته که منابع تفسیری‌اش عبارت‌اند از: انوار التنزیل و اسرار التأویل (بیضاوی)، المنار (رشید رضا)، مفاتیح الغیب (فخرالدین رازی)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (طبری)، المیزان فی تفسیر القرآن (طباطبایی). اما از تفسیر المیزان بسیار کم و شاید فقط در یک بخش بر مبنای آن تفسیر کرده است. تمام احادیثی که خوری نقل کرده از منابع اهل سنت با





خصوصیت ذکر شده بوده و در نهایت اگر از ابن عباس حدیثی هم آورده، آن را از تفاسیر اهل سنت نقل قول کرده است. رجوع یک‌جانبه خوری به منابع موجب شده که او به برداشت و القای مفاهیم با توجه به اعتقادات منابع در دسترسش اکتفا کند و همین امر او را به بهره‌برداری از برداشت‌ها و پیش‌فرض‌های مفسرانی خاص مبتلا کرده و از یافتن برخی حقایق دور داشته است.

در ادامه مواردی از روش تفسیر او در راستای استفاده از منابع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تئودور خوری در موارد متعددی از منبع قرآن برای تبیین و تفسیر یک آیه استفاده کرده است. همان تفسیر قرآن به قرآن که مفسران مسلمان از جمله علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه، احیاگر و مروج این شیوه از آن بهره‌جسته‌اند؛ برای مثال خوری ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۳)، در وجوه معنایی «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» علاوه بر اقوال مختلف مفسران به آیات دیگر قرآن نیز ارجاع داده است؛ با این بیان: «به معنای صبر در برابر رذیلت‌ها و شهوت‌هایی است که راه ثواب را در ماوراء می‌بندند (بنابر قول بیضاوی و دیگران) یا صبر در انجام واجبات و کارهای نیک (بنابر قول جلال) می‌باشد. برخی دیگر از مفسران نه تنها می‌خواهند نیمی از آیه را به شرایط عمومی زندگی ربط دهند، بلکه در اینجا آنها را مرتبط با آیات زیر می‌بینند و به مصیبت‌های التزام به آرمان اسلام و آزمایش‌های متعددی که به مؤمنان اصابت می‌کند ربط می‌دهند (بنابر قول رشید رضا و دیگران) (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۶)؛ مانند «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره، ۴۵) و «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا» (اعراف، ۱۲۸). این حقیقت که صبر و نماز به مردم کمک می‌کند، در آیات «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُضِلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ همانا انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است. هنگامی که بدی به او می‌رسد بسیار دلسرد می‌شود و هنگامی که خیری برای او اتفاق می‌افتد آن را از دیگران دریغ می‌کند. مگر کسانی که نماز می‌خوانند و بر نماز خود استقامت دارند» (معارج، ۱۹-۲۳)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَاصْبِرُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال، ۴۵)، «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ

لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت، ۴۵) و غیره تأیید شده است» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۱۷۷).

نمونه‌ای از ارجاع خوری به سنت در آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف، ۱۷۲) می‌باشد که ضمن تفسیر، برای فهم و برداشت صحیح از آن به روایاتی رجوع کرده که در واقع بیان اتفاقی در گذشته و برداشت نتایج حاصل از آن است. تئودور خوری در قسمت دیگری، سر فصل یک سلسله آیات، اشاره به پیمان خداوند با ذرات صلب بنی آدم می‌کند و آن پیمان را وحی اصلی می‌نامد و معتقد است که رسالت پیامبر ﷺ آغازی جدید یا تعلیم جدیدی نبوده، بلکه همواره گواهی بر وحی اصلی و تأییدی بر پیمان اصلی موجود است (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، ص ۸۹)؛ سپس در ذیل این آیه می‌آورد که: «اشاره‌ای به اولین وحی و الهام الهی به انسان‌ها و خوداظهاری انسان‌ها به یگانگی خداوند است و به زبان مجازی بیان می‌کند که چگونه خداوند از صلب آدم و از صلب فرزندان‌ش همه یا بخشی از مردم را به نیابت از همه گرفت و از آنها خواست که از او به‌عنوان خدای یگانه اقرار کنند. این تفسیر با سخنان محمد که در احادیث عمر و ابوهریره و دیگران (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۷۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، صص ۳۹۷-۳۹۸) نقل شده تأیید می‌شود» (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، ص ۱۷۰).

خوری در استناد به روایات مربوطه، فقط به منابع اهل سنت مراجعه کرده، درحالی‌که مشابه این روایات در منابع شیعه هم نقل شده و علامه طباطبایی رحمته‌الله به تعدادی از آنها به نقل از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام ارجاع داده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، صص ۳۲۵-۳۲۶).

نمونه ارجاع خوری به دستاوردهای عقلی در آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مانده، ۶۴) می‌باشد با دلالت ظاهر آیه بر بسته‌بودن دستان خداوند که یهود قائل بر آن شده‌اند. خوری به صراحت مقصود از «ید الله» را قدرت خداوند ذکر کرده: «یهودیان می‌گویند: «دست خدا بسته است». در آیه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ» (اسراء، ۲۹) نیز از دست بسته به‌عنوان





نشانه بخل صحبت می‌کند. مفسران مسلمان این بیان را به خدای محمد که در نظر یهودیان به دلیل طلب قرض در آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ الله قرضاً حسناً» (بقره، ۲۴۵) و آیه «أقرضتم الله قرضاً حسناً» (مائده، ۱۲) فقیر و نیازمند است و یا به وضعیت جامعه اسلامی از جهت نیازمندی ربط می‌دهند و یا به لاف یهودیان مبنی بر آیه «قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَياماً معدودات» (آل عمران، ۲۴) که خدا آنها را فقط چند روز عذاب خواهد کرد نسبت می‌دهند؛ در حالی که دست خدا نماد قدرت مطلق و عنایت اوست» (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، ص ۱۲۸). تئودور خوری در برداشتی که از نظرات یهودیان مبنی بر نیازمندی خداوند، عدم قدرت خدا و بخل و در رد آرای آنها تعبیر به قدرت خداوند کرده، بدون شک از استلزامات عقلی بهره جسته و به نتیجه صحیح رسیده است. وی در راستای مشابه‌یابی در آموزه‌های کتاب‌های آسمانی، این تعبیر را با عبارت «بسته‌بودن دستان خدا» به کتاب مقدس ارجاع داده است (خوری، ۱۹۹۶م، ج ۷، ص ۱۲۸): «موسی گفت: «قومی که من در میان ایشانم، ششصد هزار پیاده‌اند و تو گفتی ایشان را گوشت خواهم داد تا یک ماه تمام بخورند. آیا گله‌ها و رمه‌ها برای ایشان کشته شود تا برای ایشان کفایت کنند؟ یا همه ماهیان دریا برای ایشان جمع شوند تا برای ایشان کفایت کنند؟» خداوند موسی را گفت: «آیا دست خداوند کوتاه شده است؟ الان خواهی دید که کلام من بر تو واقع می‌شود یا نه» و بادی از جانب خداوند وزیده، سلوی را از دریا برآورد و آنها را به اطراف لشکرگاه پراکنده ساخت» (سفر اعداد فصل ۱۱: آیات ۲۳ تا ۳۱). این اعتقاد او را می‌رساند که طرح «کوتاه‌بودن دست خداوند» در کتاب مقدس را نیز با تکیه بر دستاوردهای عقلی خویش، تعبیری از عدم قدرت خداوند دانسته است. حتی برداشت اعجاز قرآن از آیات تحدی که در بخش اول پژوهش از جانب وی مطرح شد، از ارجاع به دستاوردهای عقلی به دست می‌آید.

تئودور خوری در معانی الفاظ آیات، مثل واژه «عُلف» (بقره، ۸۸)، بررسی واژه در موقعیت آیات مثل واژه «فُسوق»، ارجاع به سخن صحابه و تائین مثل «السائحون» (توبه، ۱۱۲) و بررسی کاربرد واژه در ادیان و اقوام مختلف مانند لفظ «أُمنی» (بقره، ۷۸)، به فرهنگ لغات از تفاسیر مسلمانان ارجاع داشته است؛ برای مثال در آیه «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» (بقره، ۸۸)، برای واژه «عُلف» این گونه بیان کرده: «جمع اغلف از ماده غلاف است، به معنای پوشش و روکش (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۹۰). اما برای فهم مراد از آیه «قلب‌های ما در پوشش است» در تفسیر، نظر مفسران مسلمان را در مورد «عُلف» بیان کرده که مقصود یا پوشیده شدن قلب‌ها با یک روکش است که مانع رسیدن پیام پیامبر ﷺ به آنها می‌باشد و یا این که قلب‌ها به شناخت خود رسیده‌اند و نیازی به سنت و پیام محمد ﷺ ندارند. اما خود او در غلاف بودن را به معنای سرسخت بودن قلب‌ها از پذیرش دانسته است» (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۵۴).

تودور خوری در آیه «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمِينًا عَلَيْهِ» (مائده، ۴۸)، لفظ «مهمین» که دال بر حاکم بودن قرآن بر کتاب‌های پیشین است را این گونه ترجمه نکرده است؛ درحالی که می‌توان به زبان آلمانی از این عبارت برای رساندن معنا استفاده کرد:

«Herrscher der vorherigen heiligen Bücher» به معنای «حاکم کتاب‌های مقدس قبلی»؛ در صورتی که در تفسیر آن فقط اشاره به این داشته: «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا آنچه را از کتاب پیش از آن بود تصدیق کند و آنچه را در آن است محکم و استوار داشته باشد» (خوری، ۱۹۹۵م، ج ۶، ص ۱۰۱)؛ درحالی که در این آیه کلمه «مهمین» برای قرآن، نقشی اساسی و تعیین کننده نسبت به سایر کتاب‌های آسمانی دارد و برتری آن را در برابر آنها اثبات می‌کند و نمی‌توان به راحتی این معنا را نادیده گرفت و مورد بررسی قرار نداد. غرض او را می‌توان چنین پنداشت که عدم توجه به این مسئله موجب می‌شود قرآن مانند سایر کتاب‌های آسمانی نگریسته شود و این فرض تا اندازه‌ای برای مسیحیان متمایل به اسلام و مسلمانان مرتد مسیحی شده پیش آید که تفاوتی میان ادیان وجود ندارد و هر کدام را اختیار کنند به وظیفه خود عمل کرده‌اند.

در استفاده خوری از دستاوردهای تجربی مشاهده می‌شود که در مواردی به طور کامل از دستاوردهای تجربی استفاده کرده و در بعضی اشاره‌ای به آن داشته است؛ برای مثال در آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لَعِيرَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۷۲)، در بیان علت علمی حرمت





مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که ذبح شرعی نشده باشد، به طور کامل از تفسیر المنار نقل کرده است (خوری، ۱۹۹۱م، ج ۲، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۸).

تثودور خوری در استفاده از منابع تفسیری علی‌رغم غیرمسلمان بودن، از روش مفسران مسلمان استفاده کرده و با قید جمله «مفسران مسلمان مطالب خود را با دقت و تیزبینی گردآوری کرده‌اند»، عدم تردید خود را در مورد منابع و پذیرش صددرصدی آنها نشان می‌دهد؛ اما از جهت غیرمسلمان بودن باید در بررسی کتاب آسمانی اسلام به طور عادلانه و یکسان از منابع استفاده کند و دیدگاه بی‌طرفانه نسبت به مذاهب مختلف داشته باشد؛ اکتفا به برخی منابع اهل سنت در این راستا در برداشت اسلامی متفاوت و جهت‌دار خواهد بود و همین مبنا تأثیر بسیاری در معرفی اسلام که هدف اوست خواهد داشت؛ درحالی‌که ما منابع متعددی از علمای اهل سنت داریم که در آنها بسیاری از مستندات شیعه هم یافت می‌شود و در واقع با دیدی علمی و منصفانه به منابع و مستندات رجوع و آیات را تفسیر کرده‌اند و در این مسیر به دور از غرض فرقه‌ای خود بوده‌اند. وی در سخنانی تحت عنوان «هنگامه بی‌عدالتی» در معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه در خصوص اجرای عدالت می‌گوید: «خوشبختانه از آنجا که میان اسلام و مسیحیت مواضع مشترک بسیاری وجود دارد و تنها در نوع رفتار با یکدیگر تفاوت داریم، می‌توانیم به یک هدف برسیم. مشترکات ما در عرصه‌های نظری و کلامی زیاد است. از این جهت من پیشنهاد می‌کنم که حرفی را مطرح کنیم که از هرگونه اختلاف‌نظری دور باشد تا بتوان عدالت را گسترش داد» (<https://www.mehrnews.com>)، ۱۳۸۶/۰۸/۰۲.

اینکه برای رسیدن به مشترکات و یا گسترش عدالت باید حرفی را مطرح کرد که از هرگونه اختلاف نظر به دور باشد، یک بعد مسئله است، اما بعد دیگر آن اینکه گاهی مطرح نکردن بعضی مطالب اگرچه ما را به تفاهم و صلح و تبادل گفتگوها نزدیک کند، اما عدالت نخواهد بود؛ از جمله مهیمن بودن قرآن نسبت به کتاب‌های آسمانی دیگر؛ اگر به دنبال ایجاد تفاهم و گفتگو، مهیمن بودن قرآن نادیده گرفته شود، هدف از نزول قرآن و تشریح اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین دین برای سعادت بشر که همه

انسان‌ها را ملتزم به پذیرش آن می‌کند نادیده گرفته شده است. همچنین در اکتفا به برخی از منابع اهل سنت اگر گفته شود تئودور خوری دسترسی به منابع بیشتر اعم از اهل سنت و شیعیان نداشته، با توجه به مطالعه و تتبع ایشان در قرن اخیر و معاصر، این علت ناتمام بوده و بر یک محقق واجب است که تمام مستندات را پیگیری کند و به‌عنوان یک غیر مسلمان دیدگاه بی‌طرفانه از اسلام را ارائه دهد. منشأ این انتخاب خاص از منابع و مغفول ماندن از بعضی حقایق اسلام را می‌توان کثرت جمعیت اهل سنت نسبت به اهل تشیع دانست و غرض وی که در صدد معرفی اسلام از زبان خود قرآن برای مسیحیان است این می‌باشد که خود را موظف به معرفی بر اساس عقیده جمعیت غالب مسلمانان دانسته است، حتی اگر حق در قلت باشد و نه در کثرت.

نتیجه‌گیری

در ارزیابی روش عادل تئودور خوری در تفسیر قرآن در حیطة مبانی در بخش اعجاز، حیطة قواعد در بخش توجه به قرینه‌ها و حیطة استفاده از منابع مختلف تفسیری نتایج زیر حاصل شده است:

۱. عادل تئودور خوری، در جایگاه مستشرقی که تعلق خاطر به اسلام دارد، در مبنای تفسیری خود تأکید بر الهی، قدسی و معجزه‌بودن قرآن داشته و در به‌کارگیری قواعد تفسیری مدنظر علی‌رغم توجه به قرائن، در کاربرد قاعده سیاق و فضای نزول در موارد لزوم بنای کار خود را تفسیر برخی مفسران اهل سنت قرار داده است؛ لذا از پرداختن به تمام جنبه‌های راستین اسلام مغفول مانده است. وی در استفاده از منابع تفسیری کم‌وبیش از تمام روش‌های مسلمانان استفاده کرده، اما در انتخاب منابع فقط به برخی منابع اهل سنت از روایات و سخنان صحابیان و تابعین و مفسران، با پیش‌فرض‌های فرقه‌گرایانه و تعصبات مذهبی اکتفا کرده است؛ درحالی‌که تخصص و تسلط در منابع، مبانی و قواعد تفسیری برای مفسر باید به گونه‌ای باشد که حتی با وجود منابع محدود، با دیدی مغرضانه با آیات الهی برخورد نشود. عدم توجه به این مسئله موجب می‌شود به قرآن مانند کتاب‌های آسمانی‌ای نگریسته شود که توسط بشر دچار



تغییر و تحول شده و روزبه‌روز در حال دورشدن از مسیر الهی خود است.

۲. تئودور خوری برای رسیدن به هدف در بخشی از تفسیر خود به ذکر مشابهاات قرآن و کتاب مقدس در آموزه‌های دینی، از جمله قوانین حاکم بر زندگی، احسان به پدر و مادر، توجه به یتیم و مسکین و ... پرداخته است. اما عدم بی‌طرفی او در نگرش نسبت به تمام منابع مذاهب اسلام، در معرفی اسلام به مسیحیان و در نتیجه ارتباط مناسب بین آنان بی‌ضرر نخواهد بود. ضمن این که بررسی دقیق تفسیر خوری در این مشابهاات، جهت قوام و مهیمن‌بودن آیات قرآن نسبت به فقرات مشابه ارجاع‌شده در کتاب مقدس، فرض مشابهاات بین ادیان را سست می‌کند.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* کتاب مقدس

۱. ابراهیم، مصطفی؛ زیات، احمدحسن؛ عبدالقادر، حامد و نجار، محمدعلی. (۱۴۲۵ق). معجم الوسيط. قاهره: مجمع اللغة العربية.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (محقق: هارون عبدالسلام محمد) (ج ۴). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. خوری، عادل تئودور. (۱۹۹۱م). القرآن الکریم (عربی = آلمانی)، ترجمه و تفسیر علمی (ج ۲). مونیخ، گوتزولوهر: گردمون.
۴. خوری، عادل تئودور. (۱۹۹۵م). القرآن الکریم (عربی = آلمانی)، ترجمه و تفسیر علمی (ج ۶). مونیخ، گوتزولوهر: گردمون.
۵. خوری، عادل تئودور. (۱۹۹۶م). القرآن الکریم (عربی = آلمانی)، ترجمه و تفسیر علمی (ج ۷، ۶). مونیخ، گوتزولوهر: گردمون.
۶. خوری، عادل تئودور. (۱۹۹۷م). القرآن الکریم (عربی = آلمانی)، ترجمه و تفسیر علمی (ج ۸). مونیخ، گوتزولوهر: گردمون.
۷. خوری، عادل تئودور. (۲۰۰۷م). القرآن الکریم (عربی = آلمانی)، ترجمه و تفسیر علمی (جلد خلاصه). مونیخ، گوتزولوهر: رندوم هاوس.
۸. رجبی، محمود. (۱۳۸۵). روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار (ج ۲). بیروت: دار المعرفة.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۲). مبانی و قواعد تفسیر قرآن. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.



۱۱. زرکشی، محمد. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن (محقق: جمال حمدی ذهبی، ج ۱). بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج ۲). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۱۳. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۹ق). دروس فی علم الأصول (الحلقة الأولى). قم: دارالعلم.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۶، ۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۹). بیروت: دارالمعرفة.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (ج ۲، ۴، ۱۲، ۱۵، ۱۶) (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۳). مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۸. میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار (ج ۳) (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۱۹. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق). اسباب النزول القرآن، زغلول کمال بسیونی. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

20. <https://www.mehrnews.com>. ۱۳۸۶ / ۰۸ / ۰۲ ،



References

- * The Holy Quran.
- * The Bible.
- 1. Fakhr al-Rāzī, M. (1420 AH). *Al-Tafsīr al-kabīr*. (Vols. 2, 4, 12, 15, 16). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- 2. Ibn al-Fāris, A. (1404 AH). *Muḥjam maqāyīs al-lughā*. (H. A. Muhammad, Ed., Vol. 4). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- 3. Ibrahim, M.; Ziyat, A. H.; Abd al-Qadir, H; & Najjar, M. A. (1425 AH). *Muḥjam al-wasit*. Cairo: Majma' al-Lughat al-'Arabiyya. [In Arabic]
- 4. Khoury, A. T. (1991). *Der Koran: arabisch-deutsch (Übersetzung und Kommentar)*. (Vol. 2). Munich: Gütersloher. [In Arabic and German]
- 5. Khoury, A. T. (1995). *Der Koran: arabisch-deutsch (Übersetzung und Kommentar)*. (Vol. 6). Munich: Gütersloher. [In Arabic and German]
- 6. Khoury, A. T. (1996). *Der Koran: arabisch-deutsch (Übersetzung und Kommentar)*. (Vol. 6, 7). Munich: Gütersloher. [In Arabic and German]
- 7. Khoury, A. T. (1997). *Der Koran: arabisch-deutsch (Übersetzung und Kommentar)*. (Vol. 8). Munich: Gütersloher. [In Arabic and German]
- 8. Khoury, A. T. (2007). *Der Koran: arabisch-deutsch (Übersetzung und Kommentar)*. Summary volume. Munich: Gütersloher. [In Arabic and German]
- 9. Maybudī, A. (1371 AP). *Kashf al-asrār wa 'uddat al-abrār*. (A. A. Hekmat, Ed., Vol. 3). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- 10. Mehr News Agency, (24 October, 1386 AP). Retrieved from:
<https://www.mehrnews.com>
- 11. Moaddab, S. R. (1393 AP). *Principles of Quranic exegesis*. Qom: Mofid University Press. [In Persian]
- 12. Rajabi, M. (1395 AP). *Method of Quranic exegesis*. Qom: Research Institute of Hawzeh & University. [In Persian]
- 13. Rashid Rida, M. (1414 AH). *Tafsīr al-Qur'ān al-ḥakīm al-shahīr bi-tafsīr al-manār*. (Vol. 2). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]



14. Rezaee Esfehni, M. A. (1392 AP). *Principles and rules of Quranic exegesis*. Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication. [In Persian]
15. Sadr, M. B. (1419 AH). *Lectures on the principles of jurisprudence*. Qom: Dar al-'Ilm. [In Arabic]
16. Suyūṭī, A. (1404 AH). *Al-Durr al-manthūr fī l-tafsīr bi-l-ma'ṭhūr*. (Vol. 2). Qom: Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]
17. Tabari, M. (1412 AH). *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. (Vol. 9). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
18. Tabatabaei, Muhammad Hossein. (1390 AH). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. (Vols. 1, 6, 8). Qom: Islamic Publishing Office of the Seminary Teachers in Qom. [In Arabic]
19. Wāḥidī, A. (1411 AH). *Asbāb nuzūl al-Qur'ān*. (Z. K. Basyuni, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya, Manshurat Muhammad Ali Baydun. [In Arabic]
20. Zarkashī, M. (1410 AH). *Al-Burhān fī 'ulūm al-Qur'ān*. (J. Hamdi Dhahabi, Ed.). (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic].

